

سورنا جوکار، پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان:

ادبیات کودک و نوجوان باید با زبان و دغدغه‌های نوجوانان همخوانی داشته باشد

■ محمدحسین یوسفی

سورنا جوکار، دبیر کارگروه ادبیات کودک و نوجوان، درباره وضعیت ادبیات کودک و نوجوان و روند جلسات نقد و بررسی کتاب‌های کودک و نوجوان توضیحاتی ارائه کرد و به نقش محتوای فاخر در شکل‌دهی ذهن و جهان‌بینی کودکان و تفاوت نسل‌های گذشته با نوجوانان امروز پرداخت. دبیر کارگروه ادبیات کودک و نوجوان، دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود درباره وضعیت ادبیات کودک و نوجوان و ضرورت توجه به مخاطب نوجوان امروز را مطرح کرد. جوکار به همت مرکز آفرینش‌های ادبی و دفتر ادبیات کودک و نوجوان، جلسات نقد و بررسی ادبیات کودک و نوجوان را با هدف بررسی آثار از جنبه‌های ادبی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ساختاری برگزار می‌کند. وی درباره این جلسات که زمینه‌ای برای تبادل آرا، آسیب‌شناسی و ارتقای کیفیت تولیدات این حوزه فراهم می‌آورند توضیحاتی ارائه کرده است.

■ ■ ■

آقای جوکار! کمی درباره جلسات نقد و بررسی کتاب‌های ادبیات کودک و نوجوان صحبت کنید و بگویید به نظر شما در حال حاضر وضعیت ادبیات کودک و نوجوان در ایران چگونه است؟

طی ۵۰،۴۰ سال گذشته، ادبیات کودک و نوجوان هنوز به عنوان پدیده‌ای که باید نقد و بررسی شود، دیده نشده است. فضای ادبیات کودک و نوجوان کوچک و محدود و به تعارف بین فعالان همراه است. مادر مرکز آفرینش‌های ادبی و دفتر ادبیات کودک و نوجوان تلاش کرده‌ایم فضای محفلی عبور و شعر کودک و نوجوان را به عنوان پدیده‌ای ادبی بررسی کنیم؛ چه از منظر ادبی، روانشناسی، جامعه‌شناسی و ساختاری. تاکنون شش جلسه با موضوعات مختلف برگزار شده است و هدف بیشتر آسیب‌شناسی بوده تا روشن شدن تکلیف ما با این پدیده. ما سعی کردیم جلسات ماهانه داشته باشیم و از افراد متخصص دعوت کنیم. اولین جلسه به بررسی علت ورود کمتر شاعران جوان به شعر کودک و نوجوان اختصاص داشت. در جلسات بعدی، از روانشناسان و افراد فعال در حوزه تربیت و ادبیات دعوت شد تا صحبت‌ها مستند و تخصصی باشد و تاکنون استقبال خوبی صورت گرفته است. ما این جلسات را به صورت ماهانه برگزار می‌کنیم، اما این توان وجود دارد که این جلسات نه فقط هر ماه، بلکه هر هفته برگزار شود. این گفت‌ووها به تبادل آرا و ارتقای سطح کیفی فعالان حوزه کودک و نوجوان کمک می‌کند. همچنین همکاری و تبادل نظر بین دفاتر مختلف باعث می‌شود تجربه‌ها و ظرفیت‌ها بهتر استفاده شود و نتایج اثربخش و پایدار باشد.

جمع‌بندی شما ز وضعیت فعلی ادبیات کودک و نوجوان چیست؟

وضعیت فعلی نشان می‌دهد باید به صورت مستمر و منسجم روی تولید محتوا کار کنیم. جلسات تخصصی را دائمی کنیم و همکاری بین دفاتر و مراکز مختلف را افزایش دهیم. همچنین توجه به زبان و دغدغه‌های نوجوانان امروز ضروری است. تنها با این رویکرد می‌توان ادبیات کودک و نوجوان را به سطحی رساند که هم ماندگار و هم پاسخگوی نیازهای نسل جدید باشد. نوجوان امروز با سرعت بالایی اطلاعات، تنوع تجربه و دغدغه‌های ملموس زندگی مواجه است و ادبیات باید با زبان و جهان فکری او هماهنگ باشد.



به نظر شما صریح بودن در حوزه ادبیات کودک و نوجوان چه اهمیتی دارد؟

صریح بودن در هر مقوله‌ای مفید است. آدم می‌داند قرار است عمرش را صرف چه چیزی کند و اگر نتیجه مطلوبی برای خودش، دیگران یا موضوع وجود ندارد، تکلیفش سریع‌تر مشخص می‌شود. اگر نه، بهتر است سریع‌تر رهایش کند و به کاری دیگر برسد. این برای من نتیجه صریح بودن است. ادبیات هم از این قاعده مستثنی نیست، چه به صورت خاص و چه به صورت عام به ویژه ادبیات کودک و نوجوان.

از نحوه فعالیت تان در حوزه کودک و نوجوان بگویید.

من شاعر و نویسنده بزرگسالان هستم و گاهی برای چپ‌هاقصه می‌نویسم، اما شعر نه. با توجه به علاقم بیشتر دوست دارم در حوزه نظری و پژوهشی برای کودکان کار کنم، چراکه بستر مناسب و مهمی برای آموزش سلاقی و شخصیت ادبی مخاطبان در این گروه سنی است.

تفاوت ادبیات کودک و نوجوان با ادبیات بزرگسال چیست؟

در حوزه کودک و نوجوان، شما با شخصی مواجه هستید که صرفاً برای لذت با ادبیات ارتباط پیدا نکرده است. قرار است بی‌آنکه خودش بداند بخشی از جهان‌بینی او با استفاده از ادبیات شکل بگیرد و نمی‌توانیم چشم‌مان را بر خیلی چیزها بندیم. محتوا باید ذهن او را تربیت و او را برای آینده آماده کند. مثلاً من در آستانه ۴۰ سالگی هنوز بسیاری از داستان‌هایی را که در کودکی خواندم، در ذهن دارم و این نشان می‌دهد که محتوا در این دوره از عمر، تأثیر ماندگار و عمیقی دارد اما در ادبیات بزرگسال شما با مخاطبی روبه‌رو هستید که تا حدود زیادی شخصیتش سازمان یافته است و بنا بر حالات، روحيات و لذت‌ها به صورت آگاهانه دست به انتخاب محتوا می‌زند.

نوجوانان امروز چگونه مخاطب ادبیات هستند؟

در حوزه شعر نوجوان، مخاطب و محتوای مشخص و ثابتی وجود ندارد. بسیاری از آثار به نام «شعر نوجوان» منتشر می‌شوند، اما مخاطبان واقعی نوجوان نیستند. نوجوانان امروز با سرعت، تنوع و تجربه‌های روزمره مواجهند. آنها دوست دارند مستقل باشند، زیر سلطه والدین نباشند، با دوستان‌شان وقت بگذرانند، مسائل اجتماعی و جنسی را تجربه کنند و گاهی به تجربه‌های خطرناک نزدیک شوند و تا حد زیادی متأثر از این گزاردها به سمت انتخاب محتوا می‌روند و معمولاً چیزی را انتخاب می‌کنند که به روحیات‌شان نزدیک باشد نه لزوماً چیزی که برای آنها تولید شده است.

با این شرایط، چگونه می‌توان برای نوجوانان تولید محتوا کرد؟

باید زبان، جهان فکری و دغدغه‌های نوجوانان را بشناسیم. مفاهیم کلی و انتزاعی معمولاً برای آنها جذاب نیست؛ آنها دنبال مصداق‌ها و تجربه‌های ملموس هستند. حتی ژانرها و اصطلاحات‌شان متفاوت است: «تاکسیفک»، «کس»، «کست» و «کراش» اینها بخشی از ادبیات و زندگی روزمره نوجوان امروزی هستند که برای بزرگسالان کلمات غریبی است و مؤلفی که راه‌رو به این جهان را پیدا نکند نمی‌تواند با نوجوان امروز ارتباط بگیرد و ذهن او را قانع‌مند کند.

نقش ترجمه و ادبیات جهانی در این حوزه چیست؟

ادبیات ترجمه کودک و نوجوان امروز بسیار پیشرفته است و با سرعت راه‌دهن مخاطب را می‌یابد، زیرا سبک‌های طولانی‌تری دارد و گلچینی از بهترین آثار جهانی می‌آید که در رقابت با تولیدات داخلی بسیار متفاوت و چشمگیر تر است تا جایی که نویسندگان داخلی هم در این رقابت نابرابر به جای یافتن زبان مشترک با مخاطب و خلق تفکر مستقل سعی می‌کنند میاینر بزنند و شبیه آثار غربی بنویسند، در نتیجه ادبیات داستانی ما گاهی از سوزی مخاطب پس زده می‌شود، چرا که به نظرش نمونه‌ای کپی شده و دست چندانم است.

تفاوت نسل‌های گذشته با نوجوان امروز چیست؟

نسل ما، حتی اگر اطلاعات کمتر داشت، تجربه‌ها و مفاهیم را عمیق‌تر می‌فهمید. نوجوانان امروز اطلاعات بیشتری دارند اما تجربه‌هاشان سطحی و مصرفی است. جهان آنها با سرعت بالا تغییر می‌کند. امروز همه چیز زود فرایم می‌شود و زودتر از صحنه خارج می‌شود. همین باعث شده است نوجوان امروز تحت تأثیر شرایط حاضر توان تمرکز و اندیشه عمیق را نداشته باشد.



بازخوانی ۳ برنامه تلویزیونی گفت‌وگو محور پس از جنگ ۱۲روزه

گفت‌وگو در خط مقدم جنگ روایت‌ها

دانشگاه‌های، فرهنگی و چهره‌های شناخته‌شده درباره

وطن پرستی و ابعاد اجتماعی جنگ ۱۲ روزه گذاشته است. مزیت اصلی آن این است که مفاهیم انتزاعی و ارزش محوری مثل «وطن» و «مقاومت» را در سطحی فراتر از شعار بررسی می‌کند. گودریز با طرح پرسش‌های مستقیم، میهمان را به بازخوانی ریشه‌های هویتی و اخلاقی جنگ وامی‌دارد. این قالب موجب می‌شود برنامه نه صرفاً نظامی، بلکه فرهنگی – فلسفی باشد؛ رویکردی که در رسانه‌های جهانی کمتر به چشم می‌خورد و می‌تواند برای نخبگان و دانشجویان الهام‌بخش باشد.

۲. ماجرای جنگ (با روایت محمدجواد موگویی)

موگویی با سابقه مستندسازی تاریخی («انحصار ورته» و «خارج از دید») نگاه کلان و تحلیلی خود را به میدان آورده است. در «ماجرای جنگ» او سرچ پست‌صحنه‌های سیاسی و نظامی جنگ ۱۲ روزه می‌رود؛ دلائل آغاز، محاسبات استیفاء، پیامدهای منطقه‌ای و رسانه‌ای. این برنامه به نوعی «کلاس درس تاریخ معاصر» است و می‌تواند خلأ مطالعات تطبیقی دربارۀ جنگ‌های اخیر ایران و مقاومت را پر کند. ارزش افزوده «ماجرای جنگ» در این است که وقایع جاری را به زمینه‌های تاریخی و استراتژیک پیوند می‌زند.

۳. هم‌عهد (با روایت علی صدری‌نیا)

برنامه «هم‌عهد» تمرکز خود را بر زندگینامه و سیره فرماندهان شهید مقاومت قرار داده است. صدری‌نیا که پیش‌تر در حوزه و رانگری فرهنگی فعال بوده، با نگاهی هم‌زمان عاطفی و تحلیلی، فرماندهان را به عنوان انسان‌های اخلاقی و اجتماعی تصویر می‌کند. این برنامه «هم‌عهد» برای پیوند عاطفی نسل جوان با شهدای مقاومت اهمیت حیاتی دارد و می‌تواند در آینده به بخشی از آرشیو فرهنگی مقاومت تبدیل شود.

اگر «ما فوق صوت» در سطح مفهومی و هویتی عمل می‌کند، «ماجرای جنگ» تحلیل سیاسی – تاریخی ارائه می‌دهد و «هم‌عهد» بر بُعد انسانی و اخلاقی تمرکز دارد. این سه زاویه دید مکمل یکدیگرند و کنار هم تصویری جامع از جنگ ۱۲ روزه و فرهنگ مقاومت می‌سازند.

■ اهمیت استمرار و آینده‌نگری

تجربه‌های جهانی نشان داده‌اند یک برنامه گفت‌وگو محور اگر به صورت سریالی و بلندمدت ادامه یابد، به یک «منبع مرجع» بدل می‌شود. اگر حوزه هنری این مسیر را ادامه دهد، می‌تواند آرشیوی ارزشمند برای پژوهشگران، مستندسازان و نسل آینده فراهم کند. در دوران «جنگ روایت‌ها»، تولید برنامه‌های گفت‌وگومحور اینچنینی پاسخی استراتژیک به نیاز زمانه است. «ما فوق صوت» با پرسش‌های هویتی، «ماجرای جنگ» با تحلیل کلان و «هم‌عهد» با روایت انسانی، هر کدام بخشی از پازل مقاومت رسانه‌ای را تکمیل می‌کنند. آنها در کنار هم به بازسازی حافظه جمعی کمک می‌کنند؛ حافظه‌ای که نه تنها برای امروز، بلکه برای تاریخ آینده ضروری است.



مطالعات حافظه جمعی نشان داده‌اند ملت‌ها هویت خود را نه تنها از طریق اسناد رسمی، بلکه از طریق روایت‌های شفاهی و رسانه‌ای باز تولید می‌کنند. گفت‌وگوی رسانه‌ای با فرماندهان، کارشناسان یا خانواده شهدا، در واقع سندی زنده برای تاریخ است. تجربه‌های موفق جهانی نشان می‌دهد «برنامه‌های میزگردی و گفت‌وگویی» می‌توانند شکاف میان حافظه فردی و حافظه ملی را پر کنند

«دشمن خدا» نمایشی که دروغ را به محکمه می‌کشد

■ الهام راه‌مهر

نمایش «دشمن خدا» (نویسنده: عمادالدین رجبلو، کارگردان: مجید عراقی و عمادالدین رجبلو) در جدیدترین اجراهای خود در تئاتر هامون بازگشته است. این اثر پیش از این در جشنواره‌های مختلف و در دوره‌های پیشین اجرا شده بود و حالا بار دیگر با استقبال دیده می‌شود.

نمایش در دو اپیزود کاملاً متمایز اما به تعبیر – و نه لزوماً در ظاهر – هم‌پوشان اجرا می‌شود.

اپیزود نخست در محیط مدرسه رخ می‌دهد، جایی که دو دانش‌آموز به دلیل اختلاف بر سر یک برگه انشا باهم درگیر می‌شوند و هر یک دیگری را به دروغ متهم می‌کند.

اپیزود دوم در فضای نظامی، یعنی دفتر فرماندهی یک یادگان جریان دارد؛ باز هم دو نفر درگیر ماجرابی هستند که مسئله دروغ و راست در آن محل نزاع است. این دو موقعیت، اگرچه از نظر صحنه و فضا فاصله زیادی دارند، اما ناخودآگاه آینه‌وار به هم ربط می‌یابند، آنجا که مسئله کشف حقیقت، اعتماد و پنهانکاری یکی از منشا‌های تنش در هر دو موقعیت است. در طول نمایش، تماشاگر در نقش یک «قاضی صامت» قرار می‌گیرد؛ باید بپرسد «چه کسی دروغ می‌گوید؟» و در نهایت درباره حقایقت یکی از شخصیت‌ها قضاوت کند.

در بستر این ساختار ساده، نمایش به مسائلی کلان‌تر نظر دارد: دروغ به‌مثابه گناهی که از دیرباز در آموزه‌های اخلاقی و دینی به آن پرداخته شده است، سقوط اخلاقی انسان از صداقت به پنهانکاری و شکاف روزافزون بین ظاهر و باطن در مناسبات انسانی. عنصر نمادین سیب در صحنه نیز یکی از نکات بازتاب‌دهنده این تم است؛ سیب‌هایی که در صحنه رها و گاه توسط شخصیت‌ها خورده می‌شوند، یادآور گناه نخستین، وسوسه و هیوط اسنان است. طراحی مینیمال صحنه و عوامل دیگر نیز به این معنا کمک می‌کنند تا فضا از آن سطحی عبور کند و به تحریکی برای تأمل بدل شود. همچنین در متن و در اجرا طنز موقعیتی و کنایه در زبان شخصیت‌ها دیده می‌شود؛ خنده‌هایی که گاه از موقعیت ناشی می‌شوند و گاه از ترکیب تضادهای موقعیتی، مخاطب را بین خنده و تأملی معلق می‌گذارند. در اجراهای فعلی، گروهی از بازیگران شناخته شده ایفای نقش می‌کنند، از جمله علی غریب، مجید عراقی، هامون ظفرپور، سیده اسوه صادقی، علی‌رضا دست‌افکن، مهرسا فلاحیان و نفس جعفری.

در اجراهای پیشین نیز بازیگران جوان (نوجوانان) حضور داشتند که یکی از نقاط قوت اثر شناخته شده‌اند. نقدی که درباره اجراهای گذشته مطرح شده، به این نکته اشاره کرده است که بازیگران نوجوان در اپیزود اول حضور جذاب و مؤثری نداشته‌اند.

نقدهار به اجرا نیز گاهی اشاره کرده‌اند که ایده دو موقعیت موازی برای کشف حقیقت، در نمایش‌های معاصر سابقه دارد، اما «دشمن خدا» با پرداخت منسجم و اجرای دقیق توانسته است از ضعف ایده تکراری فراتر برود.



■ نقدها، نقاط قوت و ضعف

نقاط قوت اثر را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

۱. سادگی در ساختار همراه با عمق معنا- اثری نیست که با پیچیدگی فراینده مخاطب را گیج کند، اما سؤال و تنش اخلاقی را به شکلی مؤثر مطرح می‌کند.

۲. توازن بین طنز و تأمل – خنده و جدیت به هم نزدیک می‌شوند و مخاطب ناگزیر از تأمل در پس خنده است.

۳. بازی متناسب و نقش‌ها – خصوصاً بازی نوجوانان که در برخی نقدها به جرسته شده است.

۴. طراحی صحنه و نمادپردازی هوشمندانه – استفاده از سیب و فضای مینیمال به جای شلوغی و تزئینات اضافی کمک می‌کند تأثیر نمادین موضوع بیشتر شود.

۵. جهش زمانی و فضایی به دو موقعیت متفاوت – این جابه‌جایی مخاطب را برانگیخته می‌کند تا رابط پنهان میان موقعیت‌ها را جست‌وجو کند. در عین حال، نقدهایی نیز وارد شده است:

■ ایده دو موقعیت موازی برای کشف حقیقت، کم‌وبیش در آثار نمایشی معاصر با یاف‌های مشابه دیده شده و ممکن است برای برخی مخاطبان نمایش تکرار فرار باشد.

■ برخی عناصر صحنه، مانند استفاده از خاک اره در کف صحنه، در نقدی ذکر شده که ممکن است در حرکت بازیگران پخش شود و آراش بصری را تحت تأثیر قرار دهد یا برای مخاطب آزاردهنده باشد. ضعف در طراحی لباس چندان مورد نقد نگرفتند، اما در همان نقد آمده است انتخاب لباس‌های فرم مدرسه و لباس سربازی کار ساده و منطقی بوده و نیاز به ابتکار ویژه نداشته است.

■ نقش این اجرا در فضای هنری امروز

دشمن خدا، با بازگشتش به صحنه نشان می‌دهد تئاتر هنوز ظرفیت زیادی برای طرح مسائلی اخلاقی، انسانی و فلسفی در قالب اثر سرگرم‌کننده دارد. این نمایش یکی از آثار شاخص در میان اجراهای باشگاه تئاتر سوره قلمداد می‌شود که توانسته است مخاطبان معاصر را به خود جذب کند. به علاوه، اجرا در سالن هامون و بازگشت مجدد این اثر به صحنه، فرصتی برای تعامل دوباره مخاطب با پرسش‌هایی است که همچنان زنده‌اند: دروغ چقدر در زندگی ما نفوذ کرده است، چگونه تشخیص می‌دهیم حقیقت را چه هزینه‌ای برای انتخاب صداقت می‌دهیم؟

در نهایت، دشمن خدانمایشی است که از دل یک مضمون اخلاقی دیرین – یعنی دروغ و رابطه آن با حقیقت و سقوط انسان – به زبانی ساده اما مؤثر سخن می‌گوید. اجرای مجدد آن در سالن هامون نشان‌دهنده این است که این اثر هنوز قدرت گفتن دارد و می‌تواند مخاطب را درگیر کند. اگرچه نقدهایی پیرامون تکرار فرم یا جزئیات طراحی مطرح است، اما قوت‌های اثر در اجرا، نمادپردازی و تعمیق معنایی‌اش آن را از اثری صرفاً کلیشه‌ای متمایز می‌کند.